

بررسی راهکارهای حقوقی محکومیت رژیم صهیونیستی در حمله به غیر نظامیان کشورمان

جنایت جنگی تجریش در کدام دادگاه قضاوت می‌شود



بر اساس قوانین بین‌المللی هر گونه حمله به کشورهای و تجاوز به خاک آنها به شدت محکوم می‌شودو تنها در شرایط ویژه‌ای است که مفاد جنگ جواز دفاع و حمله متقابل را می‌دهد مشروط بر آنکه به افراد و مراکز غیر نظامی تهاجم و حمله‌ای صورت نگیرد. با این حال پس از حمله تجاوز کارانه رژیم اشغالگر صهیونیستی به حریم هوایی ایران در عصر ۲۵ خرداد ۱۴۰۴، صف چیراغ قرمز تجریش صف شهادت غیر نظامیان بود.

■ **ابعاد حقوقی حمله: مصداقی از جنایت**

میدان قدس تجریش در ۲۵ خرداد ماه مورد اصابت دو موشک نقطه زن قرار گرفت و در این حمله تعدادی از هموطنان بی گناه به شهادت رسیدند. اهداف نظامی در نزدیکی محل اصابت وجود نداشت و بنا بر شواهد موجود هدف این حمله تنها غیر نظامیان بودند. بر اساس ماده ۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC): «حمله عمدی به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی در زمان جنگ، جنایت جنگی محسوب می‌شود.» بر اساس این ماده می‌توان چند عنوان را بررسی و جرم رژیم صهیونیستی را عیان کرد: اول، غیرنظامی بودن قربانیان: همانطور که گفته شد بررسی‌ها، تصاویر هوایی و گزارش‌های شاهدان عینی نشان می‌دهد هیچ تجمع نظامی یا تجهیزات نظامی در نزدیکی محل وجود نداشته است. دوم، تناسب نداشتن حمله با تهدید: هیچ تهدیدفوری علیه اسرائیل از ناحیه تجریش مطرح نبوده و حمله فاقد توجیه نظامی بوده است. سوم، شدت تلفات: تعداد بالای شهدا و مجروحان با توجه به نوع موشک استفاده شده، نشان از قصد آشکار برای وارد کردن تلفات انسانی دارد.

■ **مسیرهای حقوقی برای پیگیری بین‌المللی** هر چند ایران و رژیم اشغالگر صهیونیستی عضو دادگاه کیفری بین‌المللی نیستند، اما راه‌های دیگری برای پیگیری حقوقی وجود دارد: ۱. راجع پرونده از سوی کشورها ثالث، ماده ۱۳ اساسنامه ICC اجازه می‌دهد کشورهای عضو، حتی اگر خودشان درگیر نباشند، یک پرونده را برای بررسی به دادستان ICC راجع دهند، بنابراین ایران می‌تواند با همکاری دیپلماتیک، یک یا چند کشور عضو را متقاعد کند پرونده حمله به تجریش را در دستور کار رسیدگی وارد کنند. ۲. شکایت نزد شورای امنیت سازمان ملل، طبق فصل هفتم منشور ملل متحد، شورای امنیت می‌تواند در صورت وقوع تهدید علیه صلح، اقدامات اجرائی اتخاذ کند. بر این اساس شکایت رسمی ایران می‌تواند منجر به صدور قطعنامه علیه رژیم صهیونیستی شود، هر چند امریکا ممکن است با حق وتوی خود بخواهد بر این جنایت سربوش بگذارد. ۳. مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، اگر ایران و رژیم صهیونیستی موافقتنامه‌ای در زمینه صلاحیت ICJ امضا کنند، ایران می‌تواند شکایت مستقیم مطرح کند. در غیر این صورت، باید از مسیرهای دیگر استفاده شود. همچنین می‌توان از ICJ برای صدور نظر مشورتی در جمع عمومی سازمان ملل بهره برد، همان طور که در موضوع دیوار حائل اسرائیل در سال ۲۰۰۴ صورت گرفت. ۴. اقدام حقوقی در دادگاه‌های ملی بر اساس اصل صلاحیت جهانی، ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ایران و اصل صلاحیت جهانی اجازه می‌دهد دادگاه‌های داخلی نسبت به جنایت‌های بین‌المللی اقدام کنند و ایران می‌تواند دادگاه ویژه‌ای برای رسیدگی به این پرونده تشکیل دهد.

۳. مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ): دیوان رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد محسوب می‌شود و فقط رسیدگی آن معطوف به میان دولت‌هاست نه افراد. با این حال ایران و رژیم صهیونیستی صلاحیت اجباری دیوان را نپذیرفته‌اند و اگر اسرائیل رضایت ندهد، دیوان نمی‌تواند رسیدگی کند، بنابراین اعتبار حقوقی جنایت رژیم صهیونیستی و گذر از حق وتوی سایر دول متخاصم نمی‌تواند انتهای مسیر باشد بلکه باید مجرای قدرتمندتری برای مجازات وجود داشته باشد. ۱. دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC): اعتبار احکام این دادگاه مبتنی بر اساسنامه رم الزام‌آور است. ایران و رژیم صهیونیستی عضو نیستند، بنابراین دادگاه فقط در صورتی صلاحیت دارد که شورای امنیت پرونده را راجع دهد یا جرم در قلمروی کشوری عضو اتفاق افتاده باشد یا کشور ثالثی که عضو است، پرونده را راجع دهد و جرم در قلمروی آن کشور یا توسط تبعه آن رخ داده باشد، بنابراین اعتبار حقوقی این مسیر مشروط و

حوزه قضایی مناسب. کشور‌های هدف باید واجد یکی از شرایط زیر باشند: پذیرش صلاحیت جهانی در قوانین داخلی مثل اسپانیا، بلژیک، هلند و آفریقای جنوبی؛ سابقه رسیدگی به دوا‌ی علیه مقامات دولتی دیگر کشورها، استقلال نسبی قضایی و نبود موانع سیاسی شدید. ۲. تشکیل پرونده مستند و جمع آوری مدارک معتبر شامل شهادت عینی قربانیان؛ اسناد پزشکی، فیلم و عکس‌های ثبت‌شده؛ گزارش‌های کارشناسی بین‌المللی (فرضاً از سازمان‌های حقوق بشری)، مستندسازی ارتباط مستقیم میان مقامات صهیونیستی و واقعه محل تجاوز. ۳. همکاری حقوقی بین‌المللی، انعقاد قرارداد با وکلای خبره محلی در کشور هدف؛ بهره‌گیری از سازمان‌های غیردولتی (NGO) برای پشتیبانی رسانه‌ای و فنی و استفاده از ظرفیت دیپلماتیک عمومی برای ایجاد فشار افکار عمومی. ۴. ثبت شکایت کیفری یا حقوقی (بسته به قوانین محلی) و درخواست صدور قرار جلب برای عاملان تجاوز همچنین توقیف اموال یا محدودیت‌های قضایی دیگر.



اگر جرم در کشور دیگری رخ داده باشد. اعتبار این احکام وابسته به قوانین داخلی کشور میزبان و همکاری بین‌المللی است. درباره ضمانت اجرا، اگر دادگاه ملی رأی دهد، اجرای آن در همان کشور ممکن است. مثلاً توقیف اموال، ممنوعیت ورود یا بازداشت متهم حین ورود به خاک کشوری که در آن محکوم شده، اما جنبه بین‌المللی این حکم دشوار است و اجرای حکم به همکاری کشور محل اقامت بستگی دارد. به طور کلی این مسیر بیشتر جنبه نمادین و رسانه‌ای دارد، ولی گاهی فشار سیاسی مؤثری ایجاد می‌کند.

■ **بهترین راهبرد حقوقی برای ایران**

در حالی که گزینه‌های مبتنی بر سازوکارهای بین‌المللی رسمی از قبیل ICC یا ICJ با محدودیت‌های جدی مواجهند و نیاز به رضایت یا همکاری‌های سیاسی دارند، اقدام ایران از مسیر دادگاه‌های ملی ثالث، ضمن حفظ اعتبار حقوقی و انسجام فرایند، فرصت قابل توجهی برای بر جسته‌سازی دعوا و تعقیب حقوقی متخلفان فراهم می‌کند. هر چند این مسیر نیز مستلزم پایداری سیاسی، دقت حقوقی و بسیج رسانه‌ای هدفمند است. گام‌های عملی در پیاده‌سازی این راهبرد بر چهار قسم تقسیم می‌شود: ۱. انتخاب

■ **نمونه‌های عملی کشورها در استفاده از اصل صلاحیت جهانی**

در مسائل مختلف و کشورهای دیگر نیز لزوم رجوع به دادگاه‌های ملی منجر به تأثیرات مثبتی درباره یک موضوع یا چالش جهانی شده است. اسپانیا در پرونده آگوستو پینوشه (شیلی)، قاضی اسپانیایی، بالتازار گارسون در سال ۱۹۹۸ حکم بازداشت بین‌المللی برای پینوشه به اتهام جنایت علیه بشریت صادر کرد. این حکم آغاز موج جهانی برای پاسخگویی به جنایات دولتی شد و جایگاه اسپانیا را در دفاع از حقوق بشر تقویت کرد. بلژیک قانون صلاحیت جهانی ۱۹۹۳، بلژیک پرونده‌هایی علیه مقامات رواندا، اسرائیل و امریکا تشکیل داد و در نتیجه آن به مر جع قضایی بین‌المللی برای قربانیان بدل شد. اعتبار حقوقی بلژیک در نهادهای بین‌المللی افزایش یافت هر چند در سال‌های بعد به دلیل فشارهای سیاسی محدود شد اما اثر نمادین آن باقی ماند. آلمان محاکمه مقامات سوریه؛ دادگاه آلمان در سال ۲۰۲۱، یک مقام اطلاعاتی سوری را به جرم شکنجه و جنایت علیه بشریت محکوم کرد. این اولین محکومیت رسمی یک مقام سوری در دادگاه آلمان بود و منجر به تقویت نقش آلمان در عدالت انتقالی شد. سوئیس پرونده حسین حبري: سوئیس در کنار سنگال، در پی شکایت قربانیان، پرونده‌ای علیه رئیس‌جمهور سابق چاد تشکیل داد. این پرونده منجر به محاکمه حبري در دادگاه ویژه سنگال شد و اصل پاسخگویی را در آفریقا تقویت کرد و الگویی برای همکاری بین‌المللی در اجرای صلاحیت جهانی شد.فرانسه پرونده مقامات رواندا: فرانسه چندین مقام سابق رواندا را به اتهام مشارکت در نسل کشی ۱۹۹۴ تحت پیگرد قرار داد و منجر به افزایش اعتماد قربانیان به عدالت فراملی شد و جایگاه فرانسه در مبارزه با مصونیت قضایی ارتقا یافت. بریتانیا، پرونده علیه مقامات اسرائیلی: در سال‌های گذشته، فعالان فلسطینی تلاش کردند علیه مقامات نظامی اسرائیل در دادگاه‌های بریتانیا شکایت کنند. هر چند برخی پرونده‌ها به دلایل سیاسی متوقف شدند، اما فشار رسانه‌ای و دیپلماتیک قابل توجهی ایجاد شد و بحث‌های حقوقی گسترده‌ای در خصوص صلاحیت جهانی در بریتانیا شکل گرفت. آرژانتین پرونده جنایت فرانکو در اسپانیا: دادگاه‌های آرژانتین با استناد به صلاحیت جهانی، علیه مقامات رژیم فرانکو در اسپانیا پرونده تشکیل دادند. در نتیجه آن باز پرونده‌هایی که در اسپانیا مستکوث مانده بودند مجدد مورد رسیدگی قرار گرفتند و دولت اسپانیا برای رسیدگی داخلی تحت فشار قرار گرفت. آفریقای جنوبی پرونده علیه مقامات زیمبابوه: دادگاه‌های آفریقای جنوبی شکایتی علیه مقامات زیمبابوه به اتهام شکنجه ثبت کردند که منجر به تأکید بر تعهد آفریقای جنوبی بر حقوق بشر شد و نقش دادگاه‌های ملی در پیگیری جرائم فراملی را تقویت کرد.

■ **سایر مسیرهای کلیدی برای مطالبه حقوقی ایران**

حمله اسرائیل به میدان تجریش، تنها یک حادثه جنگی نیست بلکه نماد آشکاری از بی‌توجهی به اصول اساسی حقوق بین‌الملل و اخلاق انسانی است. با وجود موانع دیپلماتیک و سیاسی، مسیرهای دیگری نیز قابل پیگیری هستند مشروط بر آن که مستندسازی، سازماندهی مردمی و تحرک دیپلماتیک به شکل مؤثر انجام گیرد. در این میان می‌توان از طرق زیر نیز اقدام کرد:ارسال شکایتنامه مستدل به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و شورای حقوق بشر سازمان ملل با تأکید بر غیرنظامی بودن قربانیان، استفاده از ظرفیت نهادهای حقوقی داخلی مثل مرکز وکلای قوه قضائیه برای تنظیم اسناد رسمی و راجع به نهادهای بین‌المللی، در خواست اعزام هیئت حقیقت یاب مستدل برای بررسی حمله و تهیه گزارش رسمی، استفاده از گزارشگران ویژه سازمان ملل در حوزه حقوق بشر و جنایت جنگی و استفاده از ظرفیت کشور‌های بریکس.

ایران در اجلاس اخیر بریکس از اعضا خواست تا تجاوز اسرائیل را محکوم و از مطالبه عدالت حمایت کنند. این کشورها می‌توانند نقش کلیدی در گفتمان‌سازی و فشار سیاسی ایفا کنند. ارسال احکام صادره از سوی دادگاه‌های ملی به سایر کشورها تا در صورت ورود متهمان، مورد بازداشت واقع شوند، استفاده از ظرفیت دیپلمات‌های ایرانی در هند، چین، روسیه و آفریقا برای جلب حمایت سیاسی.

پی‌نوشت:

(۱) ماده ۲۵ منشور ملل متحد: «اعضای سازمان ملل متحد موافقت می‌نمایند تصمیمات شورای امنیت را مطابق این منشور اجرا کنند.»

(۲) ماده ۹۴ منشور ملل متحد:

۱. هر یک از اعضای ملل متحد متعهد می‌شود در هر اختلافی که طرف باشند، طبق تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری عمل نمایند. ۲. اگر یکی از طرف‌های دعوی تعهداتی را که به موجب حکم دیوان مزبور برای او ایجاد می‌شود اجرا نکند، طرف دیگر می‌تواند به شورای امنیت رجوع کند و شورای مزبور می‌تواند در صورتی که مقتضی بداند توصیه‌هایی کند یا برای اجرای آن حکم تصمیماتی اتخاذ نماید.

حتماً برات سؤال شده که:



دادنامه و واخواست چه تفاوتی با هم دارند؟

در مسیر پیجیده احقاق حق در نظام قضایی ایران، سه اصطلاح کلیدی بیش از سایر مفاهیم در پرونده‌های حقوقی و تجاری تکرار می‌شوند: «دادخواست»، «دادنامه» و «واخواست». هر یک از این واژگان، جایگاه خاصی در فرایند دادرسی دارند و اشتباه در فهم یا کاربرد آنها می‌تواند به رد دعوی از دست رفتن حقوق قانونی یا تأخیر در رسیدگی منجر شود.

■ **دادخواست، آغاز رسمی دعوی حقوقی** دادخواست، در حقوق ماسندی کتبی است که خواهان (کسی که خواسته خود را از دادگاه طلب می‌کند) به دادگاه ارائه می‌دهد تا رسیدگی به یک ادعای حقوقی (دعوا) آغاز شود. بنابراین دادخواست نقطه شروع هر دعوای حقوقی در دادگاه‌های ایران است. طبق ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی، هیچ دعوایی بدون تقدیم دادخواست قابل رسیدگی نیست. دادخواست یک سند رسمی است پس باید مطابق قوانین و مقررات آیین دادرسی مدنی تنظیم شود. این سند باید در فرم مخصوص از طریق دفاتر خدمات قضایی یا سامانه ثنا ثبت شود و شامل اطلاعاتی چون مشخصات طرفین، خواسته، دلایل و امضا باشد. تنظیم صحیح دادخواست برای موفقیت در رسیدگی به دعوا بسیار مهم است و رعایت نکات قانونی و ارائه مدارک و مستندات کافی شانس موفقیت در دادگاه را افزایش می‌دهد. فرض کنید فردی مدعی است که مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان بابت قرارداد اجاره از مستأجر خود دریافت نکرده است. برای پیگیری قضایی باید دادخواست مطالبه وجه تنظیم کند و آن را به دادگاه صالح ارسال نماید. بدون دادخواست، حتی اگر مدارک کامل باشد، دادگاه وارد رسیدگی نمی‌شود.

■ **دادنامه، محصول نهایی فرایند دادرسی**

دادنامه، یک سند حیاتی در نظام حقوقی ایران است که با ثبت و اعلام رأی دادگاه مسیر رسیدگی به پرونده را مشخص و نقش مهمی در اجرای عدالت ایفا می‌کند. به طور کلی دادنامه رأی رسمی و مکتوب دادگاه است که در پایان رسیدگی به یک پرونده، پس از بررسی دادخواست، دلایل، دفاعیات و مستندات طرفین صادر می‌شود. مطابق ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی، دادنامه باید شامل شماره پرونده، مشخصات طرفین دعوا، خواسته و موضوع شکایت، دلایل، تحلیل حقوقی دادگاه و نتیجه نهایی باشد. فرض کنید در پرونده مطالبه وجه در مثال قبلی، دادگاه پس از بررسی قرارداد، رسید پرداخت و دفاعیات مستأجر، رأی صادر می‌کند که «خوانده (کسی که از سوی خواهان دعوای علیه‌اش در دادگاه اقامه شده) محکوم به پرداخت مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان به خواهان بابت اجارننامه مورخ ۱۴۰۲/۵/۱ شد». بنابراین پس از رسیدگی به دادخواست رأی صادر می‌شود که این رأی در قالب دادنامه عنوان گذاری می‌شود. دادنامه به عنوان سندی رسمی مبنای اجرای حکم و اقدامات قانونی بعدی قرار می‌گیرد. همچنین می‌تواند امکان اعتراض به رأی دادگاه را برای طرفین فراهم کند، بنابراین قابل اجراست، مگر در صورت تجدیدنظرخواهی.

■ **واخواست، اعتراض رسمی در دعوای تجاری**

واخواست در حقوق ایران و قانون تجارت به معنی اعتراض دارنده برات یا سفته به عدم پرداخت آن وجه در سر رسید مشخص است. به عبارت دیگر دارنده این سند تجاری با ارائه واخواست می‌تواند عدم پرداخت آن را به صورت رسمی اعلام کند، مهم است که واخواهی (در آینده به آن واخواهیم پرداخت) در حقوق مدنی با واخواست در حقوق تجارت خلط مبحث نشود. طبق ماده ۲۸۶ قانون تجارت، واخواست باید طرف سه روز کاری از تاریخ تکوّل تنظیم شود تا مسئولیت تضامنی متعهدین حفظ شود. فرض کنید دارنده سفته‌ای به مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان هستید، در تاریخ سررسید به بانک مراجعه می‌کنید اما پرداخت انجام نمی‌شود. شما باید ظرف سه روز به دفتر واخواست مراجعه و سند واخواست تنظیم کنید تا بتواند علیه صادرکننده و ظهرنویسان اقدام قانونی انجام دهید. بنابراین تنها با ارائه واخواست می‌توان در خواست نقد شدن مبلغ سفته و برات را داشت.

عنوان	حوزه کاربرد	نوع سند	مرجع تنظیم	مهلت قانونی	آثار حقوقی
دادخواست	امور آیین دادرسی مدنی	آغاز دعوی خواهان	دفتر خدمات قضایی یا سامانه ثنا	در دفتر رسیدگی الزامی قبل از دعوی	ثبت رسمی
دادنامه	نتیجه رسیدگی	رای قضایی	دادگاه رسیدگی کننده	طبق مقررات تجدیدنظر	صدور حکم یا رد دعوی
واخواست	امور مربوط به فقهین تجارت	اعتراض رسمی	دفتر واخواست دادگستری	۳ روز کاری از تکوّل	حفظ مسئولیت تضامنی

■ **مقایسه ساختاری و کاربردی**

درک تفاوت‌های دادخواست، دادنامه و واخواست برای هر شهروندی که با نظام قضایی سروکار دارد، ضروری است. دادخواست آغاز مسیر دادرسی، دادنامه پایان آن و واخواست ابزاری برای حفظ حقوق در مسیر مطالبه است. بی‌توجهی به مهلت‌ها، فرم‌ها و کاربردهای هر یک می‌تواند به از دست رفتن حقوق قانونی منجر شود.